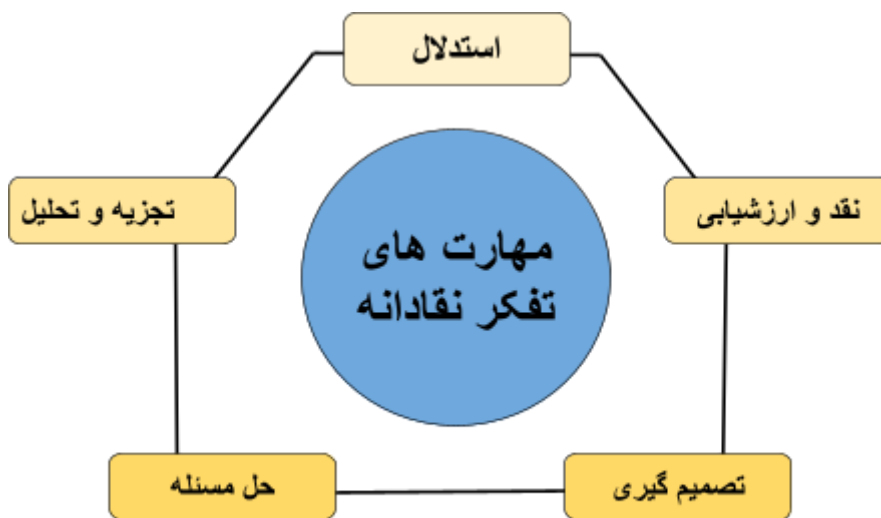


## Reasoning 5

### استدلال ۵

این برنامه آموزشی با پشتیبانی و حمایت بنیاد غیر انتفاعی آینه تهیه و تقدیم حضور شما عزیزان میشود. در این بسته آموزشی که صد جلسه خواهد بود، اصول درست فکر کردن بر اساس آموزه های تفکر نقادانه، (Critical Thinking) و با بهره گیری از آخرین یافته های علمی در زمینه تفکر، آموزش داده میشود. هدف از این برنامه آشنایی همگان با اصول درست اندیشیدن است تا از این طریق شاهد گسترش هر چه بیشتر عقل ورزی و خردگرایی در جامعه باشیم.



مهارت های اصلی تفکر نقادانه

ادامه بحث جلسات گذشته در باره انواع استدلال:

در بحث پیرامون استدلال:

ابتدا استدلال تمثیلی (argument from analogy) را مورد توجه قرار دادیم.

سپس به سه نوع استدلال اصلی یعنی قیاس (deduction)، استقرا (induction) و استنتاج بر اساس بهترین تبیین (abduction) اشاره کردیم.

در استدلال تمثیلی (argument from analogy) وقتی دو پدیده در ذهن ما به هم شباهت داشته باشند، ممکن است سعی کنیم که حکمی که در باره یکی از آنها صادق است را به دیگری نسبت دهیم.

● سعید به اندازه فرشید باهوش است چون برادر هستند. این نتیجه گیری معتبر نیست.

در استدلال قیاسی (deductive reasoning)، فرایند استدلال از کل به جز است. این استدلال نوعی تفکر منطقی است که در آن نتیجه گیری خاصی از مقدمات کلی گرفته می شود. در استدلال قیاسی اگر مقدمات حاوی اطلاعات صحیحی باشند، نتیجه گیری لزوماً معتبر خواهد بود.

در استدلال استقرایی (inductive reasoning) فرایند استدلال از جز به کل است. استدلال استقرایی روشی از تفکر منطقی است که از روی مشاهدات و تجارب یک نتیجه گیری کلی انجام میشود. هدف استدلال استقرایی پیش بینی نتیجه احتمالی است در حالیکه در استدلال قیاسی هدف اثبات یک واقعیت است.

در استنتاج بر اساس بهترین تبیین (abduction) از میان تبیین های موجود برای یک پدیده، استدلالی که پیش فرض های قابل قبول تری دارد، پذیرفته میشود. از میان گزینه های موجود، گزینه ای که بهتر یک رخداد را توضیح می دهد به عنوان دلیل یا علت در نظر می گیریم. البته زمانی که فقط یکی از گزینه ها را بتوان علت دانست. یعنی قبول یک دلیل مستلزم کنار گذاشتن دلایل دیگر باشد.

گاهی برای یک رخداد دلایل متعددی وجود دارد که در کنار هم باعث وقوع آن می شوند. وقتی برای یک رخداد چند دلیل یا علت مطرح باشد، با بررسی این دلایل، دلیلی که توضیح قابل قبول تری را ارائه می کند و بهتر از بقیه پدیده یا رخداد مورد نظر را برای ما تبیین می کند و توضیح می دهد را انتخاب می کنیم.

تشخیص پزشکی یکی از مثال های بارز این نوع استدلال است. بر اساس معاینات و آزمایش ها بهترین و قابل قبول ترین فرضیه در تشخیص بیماری و درمان استفاده می شود.

در دادگاه نیز قضات با همین روش استدلال کرده و حکم صادر می کنند. از میان چند مظنون به قتل یا سرقت، شواهد و داده ها به دقت بررسی می شود و حکم صادر می شود.

در فلسفه اثبات ثنویت جسم و روح با همین روش یعنی استنتاج بر اساس بهترین تبیین، انجام شده است. کسانی که این ثنویت را قبول کرده اند، این فرضیه را نسبت به دیگر فرضیه ها قوی تر تشخیص داده اند.

این روش استدلال کمک کرد تا سیاره نپتون در قرن ۱۹ کشف شود. دانشمندان تغییراتی را در مدار اورانوس مشاهده می کردند که قابل تبیین فیزیکی نبود. آنها فرض را بر این قرار دادند که یک سیاره در ورای اورانوس وجود داشته باشد و تاثیرات آن سیاره باعث این تغییرات شود. تبیینی بهتر از این برای تغییرات در مدار آخرین سیاره منظومه شمسی وجود نداشت. لذا فرض را بر این قرار دادند که یک سیاره فراتر از اورانوس وجود داشته باشد و این به کشف نپتون انجامید.

برای تصمیم گیری در شرایط دشوار که امکان گردآوردن داده ها و شواهد وجود ندارد، باید از روش استدلال بر اساس بهترین تبیین استفاده کرد. مثلا پزشکی که مجبور است در باره بیماری که بیهوش است تصمیم بگیرد.

وقتی دوستی مدتی است جواب پیام های شما را نمی دهد یا دیر به دیر جواب می دهد شما فرضیه های مختلفی را برای این پدیده در نظر میگیرید و در نهایت بهترین گزینه که آن را محتمل تر می دانید را انتخاب می کنید. گاهی هم چند گزینه را روی میز نگه می دارید تا شواهد بیشتری بدست آورید.

## کمک به رشد استدلال در کودکان

لازم است والدین عزیز روش استدلال صحیح را با کودک خود تمرین کنند. در بحث پیرامون فضیلت های فکری گفتیم باید این منش و شخصیت در کودک شکل گیرد که خواسته های خود را با دلیل مطرح کند نه با تکیه بر احساسات و عواطف. کودکی که از نظر فکر و اندیشه ضعیف بار می آید خواسته های خود را با گریه کردن و بهانه آوردن پی می گیرد و چنین کودکی در بزرگسالی شخصیتی شکننده پیدا خواهد کرد. در بحث مربوط به اهل دلیل و برهان بودن یادآور شدیم اگر بزرگسالان با تحکم و بدون ارائه دلیل خواسته های خود را بر فرزندان تحمیل کنند، این خوی و منش دیکتاتوری و استفاده از زبان زور به جای زبان دلیل سبب می شود چنین کودکی در بزرگسالی فردی مستبد و دیکتاتور شود و این چرخه معیوب ادامه یابد.

به کودکان موضوعاتی متناسب با رشد شناختی شان بدهید و از آنها بخواهید استدلال کنند. بهتر است استدلال معیوبی به کودک بدهیم و از او بخواهیم اشکال آن را بگوید. مثلاً چون در سفر قبلی ماشین پنچر شد در این سفر هم پنچر خواهد شد. واضح است که این نتیجه گیری درست نیست.